

مقدمه

اخلاق و حدیث

میان اخلاق و حدیث رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. از یک سو، موضوع اخلاق، انسان و صفات درونی اوست. از سوی دیگر اینکه، صادرکنندگان حدیث، انسانهای پاک و معصومی هستند که به خواست خداوند متعال، از ویژگیها و ظرافتها و پیچیدگیهای باطن انسان به خوبی آگاه‌اند و راههای رسیدن به فضیلت‌های اخلاقی و دوری از رذایل را می‌شناسند. رهنمودهای این معلمهای ممتاز و بی‌همانند اخلاق و تربیت، در قالب «حدیث» به ما رسیده است. بنابراین، حدیث منبع و مادر اخلاق، به معنای واقعی کلمه است.

ظرفیتهای ناشناخته روایات اخلاقی

واقعیت این است که بخش مهمی از روایات اسلامی را احادیث اخلاقی تشکیل می‌دهد. با توجه به اهمیتی که اخلاق در حیات انسانی دارد^۱ و با توجه به هدف

۱. واژه اخلاق از ریشه (خ ل ق) گرفته شده است. کلمه (خلق) دلالت بر شکل و سیمای یک چیز دارد، با این تفاوت که اگر به فتح حرف اول (خاء) خوانده شود (خَلَقَ)، به معنای شکل ظاهری و اگر به ضم خوانده شود (خُلِقَ)، به معنای شکل و سیرت باطنی است. ابن منظور می‌نویسد: «الْخُلُقُ بضم اللام و سکونها، و هو الدین و الطبع و السجیة. و حقیقه أنه لصورة الانسان الباطنة و هی نفسه و اوصافها و معانیها المختصة بها، بمنزلة الخلق لصورته الظاهرة و اوصافها و معانیها، و لها اوصاف حسنة و قبیحة». ابن منظور، *لسان العرب*، ماده خلق.

و اما اخلاق در اصطلاح عبارت است از خوبی ثابت در باطن انسان که منشأ اعمال و رفتار ←

نهایی اسلام که تکامل انسان است، انتظار می‌رود این موضوع دقیقاً در کانون مباحث علمی بررسی شود. این در حالی است که این بخش برخلاف بخشهایی چون فقه و کلام، کمتر به شکل تخصصی و روشمند مورد بررسی قرار گرفته است. البته تلاشهای فراوانی در این باره از سوی دانشمندان اسلامی صورت گرفته که در جای خود ارزشمند و لازم بوده است، اما به نظر می‌رسد جای بررسیهای دقیق علمی خالی است. در این بررسیها گاه مدل اخلاق یونان مورد توجه قرار گرفته و مفاهیم و مسائل اخلاقی اسلام در آن قالب ریخته شده، گاه موضوعات اخلاقی به صورتی سطحی مورد مطالعه قرار گرفته و گاه تک گزاره‌های اخلاقی ترجمه و با بیانی تقریباً ناپخته شرح شده و... این در حالی است که احادیث اخلاقی قابلیت بسیاری برای نظریه پردازی دارند. هم گزاره‌های اخلاقی در بردارنده مباحث عمیق علمی است و هم مفاهیم و موضوعات اخلاقی حرفهای جدیدی برای گفتن دارند. لذا لازم است تلاشی نو در این حوزه صورت گیرد تا نقاط خلأ آن برطرف شود.

اخلاق و فقه الحدیث

رسالت یاد شده بر عهده فقه الحدیث است. فقه الحدیث دانشی است که به بررسی متن حدیث می‌پردازد و با ارائه مبانی و سیر منطقی فهم آن، ما را به مقصود اصلی گوینده حدیث نزدیک می‌کند^۱ و اگرچه حدیث، منبعی مطمئن و بسیار غنی درباره علوم انسانی است، نباید فراموش کرد که استفاده از این منبع، نیازمند استخراج نظریه‌ها و دیدگاههای نهفته در آن است و این مهم جز به وسیله فقه الحدیث میسر نیست. نکته مهم اینکه در فقه الحدیث، قواعد عمومی فهم مورد بررسی قرار

→ اوست. رفتارهای انسان از یک منظر به رفتارهای ارادی و غیرارادی تقسیم می‌شود. اخلاق درباره رفتارها و اعمال ارادی انسان بحث می‌کند؛ و آنچه انسان را به رفتار نیک و بد وامی‌دارد، اخلاق نامیده می‌شود. اخلاقیات، منشأ رفتار و سلوک آدمی است. رفتارهای ارادی در آغاز با فکر و تأمل انجام می‌شود، ولی در اثر تکرار به ملکه نفس تبدیل شده و بدون تأمل قابل تکرار خواهد بود.

۱. روش فهم حدیث.

می‌گیرد، اما از آنجا که احادیث در زمینه‌های مختلفی صادر شده، فهم روایتهای هر موضوع ویژگی خاص خود را دارد. فقه الحدیث اخلاقی، عهده‌دار تبیین دیدگاههای اخلاقی حدیث است. بنابراین، بدون برخورداری از این مهم، دستیابی به معارف و حقایق موجود در احادیث اخلاقی ممکن نیست.

رسالت این اثر

در روایات اخلاقی، با دو مسئله مواجه‌ایم: یکی «مفاهیم اخلاقی» و دیگری «نظام اخلاقی». مفاهیم اخلاقی، موضوعات عام و کلی اخلاق است که گزاره‌هایی درباره هر یک از آنها صادر شده؛ مثل مفهوم «تقوا»، «صبر»، «حلم»، «عفت»، «خوف»، «رجا»، «حیا»، «محبت» و... معمولاً درباره هر مفهوم اخلاقی، تعدادی گزاره اخلاقی وجود دارد که تعداد آن به تناسب هر مفهوم، متفاوت است. در این مجموعه، هر تک گزاره یا هر چند گزاره حدیثی، به تبیین بخش و جنبه‌ای از مفهوم مورد نظر می‌پردازد که در نهایت سیمای کامل مفهوم را ترسیم می‌کند.

و اما نظام اخلاقی عبارت است از ساختار کلی اخلاق که از ترکیب مفاهیم اخلاقی به وجود می‌آید. هر یک از مفاهیم اخلاقی، جایگاه ویژه‌ای در کلان اخلاق دارد. هنگامی که این مفاهیم در جای خود و در کنار هم قرار گیرند، ساختار اخلاق را شکل می‌دهند و نظام اخلاق معنا می‌یابد.

با توجه به آنچه گفته شد، درباره هر یک از این موارد، یعنی مفاهیم اخلاقی و نظام اخلاقی دو سؤال اساسی و مختلف مطرح می‌شود؛ سؤال اساسی در بحث مفاهیم اخلاقی این است که یک موضوع اخلاقی چه معنا و مفهومی دارد؛ و در نظام اخلاقی این پرسش که اجزای تشکیل‌دهنده آن کدام‌اند و جایگاه هر موضوع چیست و چه ارتباطی با یکدیگر دارند. بنابراین دو مسئله اساسی باید مورد توجه قرار گیرد: یکی شناخت «مفاهیم اخلاقی» و دیگری شناخت «جایگاه مفاهیم در نظام اخلاقی»؛ و اما مهم‌تر از این موارد، روش مفهوم‌شناسی و نظام‌شناسی است و هر چند شناخت مفاهیم و نظام اخلاقی مهم است، اما ارائه شیوه آن مهم‌تر است تا

پژوهشگران بتوانند با استفاده از آن هر مفهوم و هر نظام اخلاقی خرد و کلان اخلاقی را شناسایی کنند. طبیعی است که در یک کتاب و مدت زمانی کوتاه نمی‌توان همه مباحث و مسائل اخلاقی را آموزش داد. لذا بهترین راه ارائه روش بررسی است. البته این بررسی باید با طرح مجموعه‌ای از مفاهیم اخلاقی همراه باشد تا با یکدیگر ارتباطی هماهنگ و سازمان‌یافته داشته باشند. بر همین اساس یکی از حوزه‌های اخلاق، یعنی کنترل نفس و خویشتنداری اخلاقی را برگزیدیم تا شیوه‌های یاد شده در قالب مفاهیم مطرح در این موضوع بررسی و شیوه کار تبیین شود. بدیهی است که حوزه اخلاق قلمروهای متعددی دارد که طرح همه آنها در این پژوهش امکان‌پذیر نیست، اما بررسی یک قلمرو می‌تواند راهگشای بررسی و شناسایی دیگر قلمروها باشد.

مباحث این اثر

فصل اول به مبانی خویشتنداری اخلاقی اختصاص دارد. در این فصل با استفاده از روایات، برخی از مبانی مطرح شده و هدف اصلی آن است تا ضمن این بحث، روش استخراج مطالب علمی از گزاره‌های اخلاقی مطرح شود.

از فصل دوم، بررسی مفاهیم اخلاقی آغاز می‌شود. لذا در مرحله نخست روش مفهوم‌شناسی و پس از آن مفاهیم اخلاقی مطرح می‌شود. در فصل دوم عامل اساسی خویشتنداری یعنی عقل، و پیرامون آن مفاهیم علم و تقوا که مؤلفه‌های عقل‌اند و مفاهیم جهل و فجور از باب ضد بررسی می‌شود.

در فصل سوم اصول عملیاتی خویشتنداری مطرح می‌شود که عبارت‌اند از: تجربه، عبرت، حزم، خوف، رجا، حیا، محبت و شکر.

فصل چهارم به موضوع ره‌آورد خویشتنداری اختصاص دارد که در آن مفهوم عفت و حلم بررسی می‌شود.

در فصل پنجم موضوع دشواریهای خویشتنداری مطرح و مفهوم صبر که عامل تحمل دشواریهاست، بررسی می‌شود.

و بالاخره در فصل ششم نظام خویشتنداری اخلاقی مورد بحث قرار می‌گیرد و ضمن آن نحوه ارتباط مفاهیم پیشین مشخص و جایگاه هر یک در خویشتنداری روشن و در عین حال روش شناخت نظام میان مفاهیم نیز بررسی می‌شود.

سپاس

در پایان مقدمه بر خود لازم می‌دانم از حضرت آیت‌الله ری‌شهری که با تأسیس دانشکده و پژوهشکده علوم حدیث بستر مناسبی را برای پژوهش و آموزش در علوم و معارف حدیث فراهم آورده‌اند، خاضعانه تشکر کنم. همچنین از معاون پژوهشی دانشکده علوم حدیث، جناب حجة الاسلام والمسلمین عبدالهادی مسعودی برای همراهی بی‌دریغشان در مرحله پژوهش، تدریس و چاپ، و از گروه تدوین دانشنامه‌های حدیثی پژوهشکده علوم حدیث برای در اختیار گذاشتن منابع حدیثی این پژوهش، و از سازمان سمت به خاطر فراهم آوردن زمینه چاپ و نشر این اثر صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. همچنین از همسر فداکار و فرزندان عزیزم که با متانت، بردباری و همراهی امکان به ثمر نشستن این پژوهش را به اینجانب دادند، کمال تشکر را دارم.

بدون تردید تلاش انسان بدون خطا نیست و احتمال خطا در دستاوردهای نو نیز بیشتر است. لذا از همه اندیشمندان فرزانه و دانشجویان و خوانندگان گرامی تقاضا می‌کنم با ارائه نقدهای خیرخواهانه و پیشنهادهای سازنده، زمینه تکمیل این پژوهش را فراهم آورند.

عباس پسندیده

بهار ۱۳۸۷